



به علت نقض مکرر تفاهم از سوی آمریکا؛ تنگه هرمز توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا اطلاع ثانوی بسته شد

پایان تفاهم کاغذی با آمریکا

۳ هفته پس از امضای تفاهم بین پزشک‌ها و ترامپ درباره آتش‌بس، با نقض مکرر این تفاهم از سوی آمریکا، نهایتاً از بامداد یکشنبه سپاه سلحشور ایران، تنگه هرمز را مجدداً مسدود کرد.

ترامپ پس از پاره کردن برجام در سال ۱۳۹۷، این بار هم با پشت پا زدن به تمام تعهداتش در تفاهم اخیر، غیرقابل اعتماد بودن رژیم آمریکا را نشان داد.

سرمقاله

ایران در نقطه تقاطع هارتلند و ریملند؛

هرمز، حلقه نظم جهانی یا کلید طلایی قدرت



دکتر داوود منظور

اقتصاددان و رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

هرمز و اقیانوس هند مرتبط است. به همین دلیل، ایران نه فقط یک بازیگر منطقه‌ای، بلکه یک گره ژئوپلیتیکی در مبارزه بزرگ‌تر قدرت‌هاست.

هرکس بخواهد درباره آینده اوراسیا، امنیت انرژی، کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، یا توازن قدرت در خلیج فارس سخن بگوید، ناگزیر باید ایران را در محاسبه خود وارد کند.

اهمیت تنگه هرمز در همین چارچوب روشن می‌شود. هرمز فقط یک آبراه نیست؛ محل برخورد دو منطق ژئوپلیتیکی است. از نگاه آمریکا، هرمز بخشی از ریملند جهانی است که در کمربند دریایی پیرامون اوراسیا که باید برای تجارت، انرژی، نیروی دریایی و متحدان واشنگتن باز، قابل پیش‌بینی و خارج از کنترل انحصاری ایران باقی بماند. از نگاه ایران، هرمز یکی از مهم‌ترین اهرم‌های حاکمیت، امنیت و بازدارندگی ملی است؛ زیرا کشوری که سال‌ها با تحریم، تهدید، جنگ و فشار مواجه بوده، نمی‌تواند نسبت به حیاتی‌ترین گذرگاه انرژی جهان در کنار مرزهای خود بی‌تفاوت باشد.

از این منظر، نزاع امروز بر سر هرمز فقط اختلافی درباره عبور کشتی‌ها نیست. نزاع بر سر این است که آیا ایران در نظم آینده منطقه به عنوان قدرتی دارای حق نقش‌آفرینی پذیرفته می‌شود یا باید صرفاً تحمل‌کننده قواعدی باشد که آمریکا و متحدانش تعریف می‌کنند. اگر آمریکا بتواند هرمز را بدون توجه به ایران اداره کند، عملاً یکی از مهم‌ترین اهرم‌های ژئوپلیتیکی ایران را بی‌اثر کرده است. اما اگر ایران بتواند امنیت هرمز را به ترتیباتی پیوند بزند که در آن حق، نقش و منافع آن به رسمیت شناخته شود، آنگاه از یک موقعیت جغرافیایی به یک قدرت سیاسی و چانه‌زنی دست یافته است.

ادامه مطلب در صفحه ۴



نامه نمایندگان مجلس برای محاکمه همتی



جمعی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار محاکمه و برکناری آقای عبدالناصر همتی (رئیس کل بانک مرکزی) به عنوان یکی از عاملان اصلی گران‌سازی ارز رسمی، تشدید تورم و نارضایتی مردم که زمینه‌ساز وقایع تلخ ۱۸ و ۱۹ دی و در پی آن تجاوز دشمن به کشور و شهادت رهبر معظم انقلاب گردید، شدند.

در نامه نمایندگان مجلس آمده است:

با توجه به افزایش غیرمنطقی و غیرمعمول نرخ ارز در دی‌ماه ۱۴۰۴ که باعث افزایش شدید قیمت کالاها و به تبع آن، کاهش قدرت خرید مردم و زمینه اعتراضات عمومی گردید و زمینه اغتشاشات و کودتای امنیتی علیه کشور را فراهم نمود و نظریه اینکه آقای عبدالناصر همتی (ریاست بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)، با افزایش غیرمنطقی و غیرطبیعی نرخ ارز رسمی، مقدمات اعتراضات و کمک به کودتاگران را فراهم آورد، لذا تقاضای تشکیل پرونده و تعقیب کیفری نامبرده و کلیه هم‌دستان وی را داریم.

آقای عبدالناصر همتی به‌رغم اطلاع از سیاست‌های کلی تعیین‌شده توسط امام شهید مبنی بر «تقویت ارزش پول ملی کشور و جلوگیری از افزایش نرخ ارز» بلافاصله و تنها ۵ روز پس از تصدی ریاست بانک مرکزی، به بهانه تک‌نرخ‌ی کردن قیمت دلار، نرخ ارز تالار مرکز مبادله را از ۸۴ هزار تومان به ۱۲۸ هزار تومان افزایش و ارزش پول ملی را ۵۲ درصد کاهش داد. موضوع به همین جا ختم نشده است، چنانچه اکنون نرخ ارز رسمی مرکز مبادله بانک مرکزی ۱۴۶۶۰۰ تومان است، به عبارتی از زمان ورود آقای همتی به بانک مرکزی، نرخ ارز رسمی بیش از ۷۴ درصد افزایش یافته و مهم‌ترین دلیل اوج گرفتن تورم در چند دهه اخیر و تشدید نارضایتی مردم، بلاشک سیاست‌های غلط اعمالی توسط ایشان بوده است.

این بهانه که ایشان ناگزیر به اجرای چنین سیاست خطرناکی بوده، از اساس نادرست است زیرا زمانی که ایشان وزیر اقتصاد بودند، بسته پیشنهادی با موضوع «اصلاح سیاست‌های ارزی» توسط جمعی از نمایندگان مجلس (۱۳۰ نماینده) تحویل رئیس‌جمهور محترم و از آن طریق به ایشان ارجاع گردید. در آن بسته، نسبت به تبعات افزایش نرخ ارز هشدارهای لازم داده شده و راهکارهایی نیز برای تقویت ارزش پول ملی و اجرای سیاست‌های ارزی صحیح ارائه شده بود، اما متأسفانه ایشان توجهی نکردند و در ادامه در دی‌ماه ۱۴۰۳ با اعمال فشار به رئیس کل وقت بانک مرکزی و مصاحبه‌هایی که انجام دادند، نرخ ارز رسمی را از حدود ۴۰ به ۶۰ هزار تومان افزایش داد و با کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ملی، موجی از تورم را ایجاد کردند که به تشدید نارضایتی مردم و در نتیجه استیضاح و برکناری ایشان انجامید.

برای نمایندگان ملت جای سوال است که چرا با وجود سابقه منفی و اسفبار ایشان در زمان ریاست بر بانک مرکزی (مرداد ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۴۰۰) و سابقه منفی تر در وزارت اقتصاد (مرداد ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۳) که منجر به استیضاح و برکناری ایشان گردید، دوباره این شخص برای ریاست بانک مرکزی انتخاب شد.

آیا در کشور قطع‌الرجال شده و هیچ فردی شایسته هدایت سکان مهم‌ترین نهاد اقتصادی کشور را نداشت؟! همچنین اگر آقای همتی ادعا کنند که کاهش ارزش پول ملی طبق قانون و بند (ت) ماده ۱۲۰ احکام دائمی برنامه توسعه کشور انجام شده، این ادعای ایشان نیز پذیرفتنی نخواهد بود، چرا که در قانون به صراحت

اعلام شده «نظام ارزی کشور، شناور مدیریت شده» است، نه شناور یله و رها و وظیفه بانک مرکزی، مدیریت نرخ ارز است تا از ورود شوک و ایجاد تورم بالا به اقتصاد کشور جلوگیری شود!

رهبری شهید بارها در سخنرانی خود فرمودند: «مگس، روی زخم می‌نشیند... ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها می‌توانند کاری کنند و نه آمریکا».

منظور ایشان از مگس، دشمن و عوامل نفوذی بودند و منظور از زخم نیز بحران‌هایی بودند که برخی مسئولین (عامدان یا ناآگاهانه) در جامعه ایجاد می‌کردند. آقای عبدالناصر همتی با اجرای سیاست‌های غلط اقتصادی، زخمی در جامعه ایجاد کرد که بحران دی ۱۴۰۴ را ایجاد و به دنبال آن عوامل شبکه‌های و نفوذی وارد میدان شده و با نشستن روی زخم جامعه، باعث کشتار و شهادت بیش از سه هزار نفر از هموطنان ما گردیدند. همچنین رهبر شهید انقلاب در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ (یازده روز پیش از نائل شدن به فیض شهادت که نرخ ارز رسمی ۱۳۶ هزار تومان بود) فرمودند: «وجود این تورم در کشور غیرمنطقی است؛ سقوط ارزش پول ملی به این اندازه غیرمنطقی است؛ باید این‌ها اصلاح بشود و به امید خدا اصلاح خواهد شد. مسئولین محترم کارهایی را شروع کرده‌اند؛ باید با جدیت، با دقت، با ملاحظه همه جوانب این کارها را ادامه بدهند، مشکلات داخلی را برطرف کنند، محیط کسب‌وکار را آرام کنند.»

علی‌هذا رئیس کل بانک مرکزی بعد از آخرین بیانات معظم له، نه تنها اقدامی در این راستا به عمل نیاوردند، بلکه بعد از آتش‌بس هم در راستای تکمیل کودتای اقتصادی و ناامید کردن مردم از نظام جمهوری اسلامی، به سیر افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی (تا این لحظه ۱۴۶ هزار تومان) ادامه دادند.

از نظر ما نمایندگان مجلس، عملکرد آقای عبدالناصر همتی و سیاست‌های اجرایی وی در تضاد کامل با فرمایشات رهبر شهید انقلاب مبنی بر حفظ و تقویت ارزش پول ملی بوده و اقدامی عمدی در جهت تحقق کودتای اقتصادی و به تبع آن کودتای امنیتی و فراهم نمودن زمینه جنگ رمضان، شهادت مقام معظم رهبری، فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و بسیاری از مردم شریف و کودگان بی‌گناه کشور بوده و قابل پیگیری می‌باشد.

لذا اینجانبان تقاضای تشکیل پرونده، تعقیب کیفری و صدور دستور نظارت قضایی برای جلوگیری از ادامه کار آقای عبدالناصر همتی تا انتمام رسیدگی به پرونده را داریم.



سپاه مراکز لجستیکی و سکوهای سوخت گیری ناوهای هواپیمابر آمریکا را منهدم کرد

✂ سپاه از انهدام مراکز پشتیبانی لجستیکی و سکوهای سوخت گیری ناوهای هواپیمابر آمریکا خبر داد. صبح یکشنبه روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با خبر دادن از سومین مرحله از پاسخ به تجاوز ارتش کودک کش آمریکا اعلام کرد: رزمندگان هوافضای سپاه، مراکز پشتیبانی لجستیکی ناوها و سکوهای سوخت گیری ناوهای هواپیمابر آمریکا در بندر دقم عمان را با یک حمله سنگین و غافلگیرانه در هم کوبیدند. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد:

بسم الله قاصم الجبارین

فَقَنُ اغْتَدَى عَلَیْکُمْ فَأَغْتَدَوْا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَیْکُمْ

مردم شریف و شجاع ایران اسلامی،

اراده ای که در گام های استوار شما در تشییع بی سابقه ده ها میلیونی متجلی شد و دنیا را در بهت و حیرت فرو برد، اینک در حماسه آفرینی رزمندگان شما ظهور یافته است. رزمندگان هوافضای سپاه در سومین مرحله از پاسخ به تجاوز ارتش کودک کش آمریکا، مراکز پشتیبانی لجستیکی ناوها و سکوهای سوخت گیری ناوهای هواپیمابر آمریکایی در بندر دقم عمان را با یک حمله سنگین و غافلگیرانه در هم کوبیدند. و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم



مرکز فرماندهی و تعمیرات جنگنده های آمریکا درهم کوبیده شد

✂ سپاه از اصابت به دومین شناور متخلف در تنگه هرمز و انهدام مرکز تعمیرات جنگنده های آمریکا در قطر خبر داد. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد:

بسم الله قاصم الجبارین

فَقَنُ اغْتَدَى عَلَیْکُمْ فَأَغْتَدَوْا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَیْکُمْ

در پاسخ به ادامه تجاوزات ارتش کودک کش آمریکا به پایگاه های ساحلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر اصابت و متوقف سازی دومین شناور متخلف در تنگه هرمز، پایگاه هوایی راهبردی آمریکا در العدید قطر در مرحله دوم عملیات مقابله به مثل هدف موشک های بالستیک قرار گرفت و مرکز تعمیرات و نگهداری جنگنده های و مرکز فرماندهی این پادگان در هم کوبیده شد. دشمن آمریکایی - صهیونی بداند، استمرار تجاوزات و پاسخ های کوبنده تر را در بر خواهد داشت. بجنگ تا چنگنکیم.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



سپاه: آشیانه پهپاد های MQ۹ آمریکا در اردن را منهدم کردیم

✂ سپاه مرکز فرماندهی و کنترل و آشیانه های پهپاد های MQ9 در پایگاه آمریکایی پرنس حسن اردن را منهدم کرد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای اعلام کرد: بسم الله قاصم الجبارین

قَاتِلُوهُمْ یَعْدُ لَهُمُ اللَّهُ بِأَیْدِیْکُمْ وَیَخْزِیْهِمْ وَیَنْصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ وَیَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِینَ

رژیم جنایتکار آمریکا با تحمیل اراده خود به حکومت پادشاهی عمان، شب گذشته تلاش کرد بار دیگر آرموده را بیازماید و با تحریک چند شناور در مسیر غیرقانونی در جنوب تنگه هرمز ایجاد کند، که با پاسخ قاطع نیروی دریایی متوقف شد. ارتش کودک کش آمریکا برای جبران این شکست دست به حمله هوایی علیه تعدادی از پایگاه های ساحلی و دکل های مخابراتی در سواحل جنوبی زد. همانطور که وعده داده بودیم بلافاصله پاسخ کوبنده تجاوز خود را دریافت کرد.

رزمندگان غیور هوافضای سپاه پایگاه های نظامی آمریکا را هدف قرار دادند. در مرحله اول این پاسخ زیرساخت ها و تأسیسات مهم نظامی در پایگاه هوایی پرنس حسن اردن را هدف قرار دادند و مرکز فرماندهی و کنترل این پایگاه و آشیانه های پهپاد های MQ9 را با چند فروند موشک بالستیک در هم کوبیدند. ادامه تجاوز آمریکای عهدشکن پاسخ های شدید تر را به دنبال خواهد داشت.

وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



پایان تفاهم کاغذی با آمریکا

تفاهم بین رؤسای جمهور ایران و آمریکا در ۲۸ خرداد امضا شد و با وجود خوشبینی مسئولان دولت ایران و تیم مذاکره کننده به این تفاهم، رهبر انقلاب و مردم نسبت به پایبندی آمریکا به تعهداتش ابراز بی اعتمادی کردند. اکنون با گذشت ۳ هفته از آن تفاهم، مشخص شده آمریکا همچنان عهدشکن است و این تفاهم نیز مثل برجام روی کاغذ ماند و پوچ و خسارت محض بود. آمریکا در روزهای اخیر بارها به شهرها و مناطق مسکونی جنوب

کشورمان حمله کرده و تعداد زیادی از شهروندان را به

شهادت رسانده است. در روزهای اخیر، ترامپ یکطرفه

اعلام پایان آتش بس کرده و کثیف ترین مواضع را نسبت

به ایران گرفته است.

نکته مهم آن که رهبر معظم انقلاب در پیامی که درباره این تفاهم صادر کردند اعلام نموندند که علی الاصول نظر دیگری

داشتند.

در پیام آیت الله سید مجتبی خامنه ای آمده بود: «بنده

محاصره دریایی ایران؛ هزینه ماهانه یک میلیارد دلاری برای آمریکا



می شوند و امکان واکنش نظامی را حفظ می کنند: اما محاصره فعال به معنای رصد روزانه مسیرهای کشتیرانی، شناسایی کشتی ها، بررسی مقصد و مبدأ، تماس دریایی، رهگیری، تغییر مسیر احتمالی، پشتیبانی هوایی و آماده باش مداوم است. این سطح از عملیات، هزینه روزانه نیروها و تجهیزات را افزایش می دهد و فشار عملیاتی بیشتری به ناوگان وارد می کند.

داده های بودجه ای نیروی دریایی آمریکا نشان می دهد

فقط بخش عملیات کشتی ها در بودجه سال مالی ۲۰۲۵

حدود ۷.۶ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم مربوط به

سوخت، نگهداری، قطعات، تعمیرات و پشتیبانی عملیاتی

ناوگان است. از سوی دیگر، نرخ های رسمی پناگوان برای

پرواز هواپیماها و بالگردهای نظامی نشان می دهد هر

ساعت پرواز هواپیماهای مورد استفاده در عملیات دریایی

و شناسایی، از چند هزار تا بیش از ۲۰ هزار دلار هزینه دارد.

براین اساس، اگر هزینه چند شناور رزمی، گشت هوایی،

بالگردها، هواپیماهای شناسایی، سوخت رسانی،

لجستیک، ارتباطات و نگهداری روزانه در نظر گرفته

شود، هزینه مستقیم محاصره می تواند در محدوده ۵

۱۰ تا ۱۲ میلیون دلار در روز قرار گیرد. این رقم برآورد رسمی

اعلام شده از سوی دولت آمریکا نیست، اما با داده های

علنی درباره هزینه عملیات کشتی ها و پروازهای نظامی

سازگار است.

هزینه واقعی بالاتر از هزینه نقدی است

هزینه محاصره فقط در سوخت و پرواز خلاصه نمی شود.

محاصره فعال باعث افزایش استهلاک شناورها، فشار بر

خدمه، مصرف ظرفیت تعمیراتی، کاهش انعطاف ناوگان

و درگیر شدن بخشی از توان رزمی آمریکا در یک مأموریت

فرسایشی می شود. این هزینه ها معمولاً در محاسبات

روزانه دیده نمی شوند، اما برای ارتش آمریکا اهمیت

عملیاتی دارند.

اگر سسهمی از هزینه آماده باش ناوگروه ها، فرسایش

تجهیزات، تعمیرات آتی، کاهش آمادگی عملیاتی و هزینه

فرصت حضور طولانی مدت در منطقه به محاصره اضافه

شود، هزینه تمام شده می تواند به حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون

دلار در روز برسد. در مقیاس ماهانه، این رقم معادل ۶۰۰ تا

۹۰۰ میلیون دلار است و با اندکی افزایش در شدت عملیات،

محاصره کامل بازنگشته است.

سخنگوی ارتش: مسئولیت تردد در تنگه هرمز بر عهده ایران است



✂ امیراکرمی نیا گفت: شب

یکشنبه آمریکایی ها برای

چندمین بار مداخله کردند و ما

نیز پاسخ محکمی به آن ها دادیم.

امیر سرتپ محمد اکرمی نیا

سخنگوی ارتش، صبح

یکشنبه، ۲۱ تیرماه با اشاره به

سابقه عملکرد آمریکا در قبال

تعهدات بین المللی اظهار کرد: آمریکایی ها، به ویژه رئیس جمهور

فعلی آمریکا، سابقه بد عهدی طولانی دارند. ما فراموش نکرده ایم که

همین شخص، زمانی که رئیس جمهور آمریکا بود، برجام را برهم

زد و از توافقات بین المللی خارج شد. وی افزود: خروج آمریکا از

نهادها و سازمان های بین المللی در دوره نخست و همچنین دوره

دوم ریاست جمهوری وی، نشان دهنده سابقه طولانی این کشور

در این حوزه است. امیراکرمی نیا افزود: در تفاهمنامه ای که در

حال حاضر میان ایران و آمریکا حاصل شده نیز همین بد عهدی

مشاهده می شود. آمریکایی ها در تلاش هستند مسیر غیراصولی را

در جنوب تنگه هرمز جا بیندازند که برخلاف تفاهمنامه امضاشده با

جمهوری اسلامی ایران است. سخنگوی ارتش ادامه داد: براساس

این تفاهمنامه، مسئولیت هرگونه تردد و عبور و مرور در تنگه هرمز بر

عهده ایران قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران نیز در اقدامی

موازنکرتی و صلح چوینانه در تلاش است با کشور عمان، تفاهمی

مشترک و ترتیبی مشترک را در این منطقه حاکم کند. امیرسرتپ

اکرمی نیا تصریح کرد: آمریکایی ها تلاش می کنند با مداخلات ناچای

خود، مسیر را که مدنظرشان است در این منطقه جا بیندازند. این

مداخلات موجب ناامنی شده است. وی تأکید کرد: جمهوری اسلامی

ایران همان گونه که در تفاهمنامه تصریح شده است، از حقوق خود

دفاع خواهد کرد و بهتر است آمریکایی ها به مفاد تفاهمنامه تمکین

کنند، به امنیت منطقه توجه داشته باشند و کشورهای منطقه را نیز

مدنظر قرار دهند. سخنگوی ارتش خاطرنشان کرد: آمریکایی ها

نباید متحذران خود را در معرض ناامنی قرار دهند. هرزمان که وارد

عمل شده و علیه جزایر، سواحل و تأسیسات جمهوری اسلامی

ایران اقدام کرده اند، پاسخ کوبنده دریافت کرده اند. وی افزود:

شب یکشنبه نیز آمریکایی ها برای تحریک و بیاد مداخله کردند و ما

نیز پاسخ محکم و کوبنده ای به آن ها دادیم. امیرسرتپ اکرمی نیا

با بیان اینکه نیروهای مسلح از ابتدای کار همواره در مسیر افزایش

آمادگی رزمی حرکت کرده اند، گفت: از آغاز نیز به همین شکل عمل

کرده ایم و تلاش کردیم آمادگی خود را افزایش دهیم. وی افزود:

پس از حصول تفاهتنامه و برقراری آتش بس نیز، همان گونه که

بارها اعلام کرده ام، از فرصت آتش بس برای ارتقای توان رزم خود

استفاده کردیم و هرگز به آمریکایی ها و دشمنان اعتماد نداشتیم.

سخنگوی ارتش ادامه داد: اهداف خود را به صورت مستمر به روز

می کنیم و تلاش داریم توان رزم خود را ارتقا دهیم تا برای همه

سناریوهای آمادگی داشته باشیم. این روند، کاری جاری و روزانه در

نیروهای مسلح است. وی تأکید کرد: بهتر است آمریکایی ها از

مداخلات ناامن ساز خود در منطقه دست بردارند. سخنگوی ارتش

با اشاره به حضور گسترده مردم در مراسم وداع و تشییع رهبر شهید

انقلاب، اظهار کرد: در امتداد تجمعات شبانه و حضور حماسی

مردم در خیابان ها و میادین، شاهد یک تشییع و وداع حماسی

بودیم. واقعاً این حماسه بزرگ در مقیاس تاریخ و تمدنی توسط

مردم ایران خلق شد. مردم ایران یک سوگ را به یک حماسه بزرگ و

یک تهدید را به فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل کردند.

وی ضمن قدردانی از حضور مردم در این مراسم، گفت: از مردم عزیز

ایران، مردم عزیز عراق که در این مراسم حضور حماسی و میلیونی

داشتند، تشکر می کنیم. همچنین از دستگاه های خدمت رسان،

رسانه ملی و همه دست اندرکاران این مراسم قدردانی می کنیم.

ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز پیام قدردانی امیر فرمانده کل

ارتش جمهوری اسلامی ایران، امیر سرتکبر حاتم، را منتشر کرد

و از حضور حماسی مردم تقدیر به عمل آمد.

فرآیند تدریجی و مرحله بندی شده خواهد بود. بررسی سناریوهای زمانی نشان می دهد که بازگشت صنعت پتروشیمی به شرایط پایدار در سه مقطع زمانی اصلی قابل تحلیل است:

گوته‌ها مدت ۳ تا ۴ ساعت با توقف گسترده عملیاتی و اوقات شدید تولید مواجه شده و اقدامات برای احیای تولید صورت خواهد گرفت. میان مدت، تا پایان ماه جاری اصله حبیبی با لغزیدن لغزهای شبکه برق و محدودیت در تأمین مواد خام و خوراک و زیرساختی تبدیل می‌شود. پیش‌بینی تأمین در هفت‌هفته تولید: در صورت احیای بخشی شبیه‌سازی رود بازاریای مجتمع‌ها و زیرساخت‌های آسیب‌دیده تکمیل شده و تولید در بخش عمده صنعت به سطوح نزدیک به ظرفیت اسمی بازگردد؛ اما تداوم ناپایداری در تأمین خوراک و تولیدی می‌تواند مانع بازگشت کامل تولید به ظرفیت اسمی شده و بخشی از ظرفیت تولید صنعت تأمین‌شده را به صورت پایداری از دسترس خارج کند.

نکته کلیدی آن است که اگرچه حدود ۷۵ درصد ظرفیت صنعت در معرض اختلال قرار دارد، اما سنسور واقعی مسئله در طول اتمام نواح بازسازی شده‌ها، واقعاً فقط به تعمیر واحدهای آسیب دیده وابسته است. بنابراین، اگرچه آسیب به مراکز پویایی نشان می‌دهد که بازسازی زیرساخت‌ها نباید فقط به بازگرداندن شرایط پیش از بحران محدود شود. هرچند پویایی متمرکز در خوشه‌های پتروشیمی به دلیل صوفه قبلی، کاهش هزینه سرمایه‌گذاری، مدیریت یکپارچه و تأمین پایدار سربیس، بازی‌های مزایای قابل توجهی است. اما تمرکز قبلی بر حدان در فضای داخلی مراکز پتروشیمی (به چند گلوگاه حیاتی وابسته می‌کند و در شرایط حساس، حادثه یا جنگ می‌تواند موجب توقف زنجیره تولید شود؛ بنابراین، توسعه پویایی‌های غیرمتمرکز اما به هم پیوسته، همراه با رعایت اصول مقادیر برابر عمل، افروخته می‌شود. برکنندگی هوشمند امکان پشتیبانی متقابل میان واحدهای ظرفیتی، برکنندگی هوشمند را در دستور کار قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که هر زیر خوشه یا مجموعه‌ای از مجتمع‌ها از حداقل ظرفیت پشتیبان برای تأمین پویایی‌های حیاتی برخوردار باشند و در حال، از طریق شبکه‌های ارتباطی، خط‌های تبادل، سامانه‌های کنترل و ظرفیت‌های ذخیره‌سازی، انباشته‌ای اضطراری میان واحدهای نیز فراهم شود. این رویکرد متقابل حفظ بخشی از مزایای قبلی و همچنین کاهش، خوشی، تابآوری عملیاتی صنعت و افزایش داده و بارعایت الزامات با افتد غیرعامل، از جمله برکنندگی هوشمند، افروخته می‌شود. دستاوردی در حفاظت از زیرساخت‌ها، تعریف زیرساخت‌ها یا جابجایی مدیریت بحران (ریسک توقف فیزیکی تولید در شرایط حساس یا به‌طور عامه و مدیریت بحران) می‌شود.

اولویت بندی در بازسازی و حفظ زنجیره تأمین

علاوه بر سرعت بازسازی، نحوه تخصیص منابع و اولویت‌بندی بازگشت واحدها بعد از زمین‌لرزه تعیین‌کننده‌ای در کنترل آثار اقتصادی و اجتماعی این خرابا خواهد داشت. در این راستا، بررسی تبعات حمله از منظر تأمین نیاز منابع پایین‌دستی، یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع است. همان‌طور که مستحقاً، بازگشت رضاعی از سوی منابع پایین‌دستی، مشکل گرفته و تمرکز ظرفیت محدود محصولات راهبردی مانند پلی اتیلن و فتراطال پلی پروپیلن و پی‌وی‌سی در مناطق آسیب‌دیده موجب خواهد شد که اختلال در این زمینه‌ها به سرعت به کمبود در سایر اجزای نقشه سبدها، خرابا و خرابی‌های ناشی و اختتام منجر شود؛ به‌ویژه آنکه سبدها، تولید و توزیع این مواد را، بخش از محصولات اساسی تلقا می‌کنند. بنابراین، این موضوع را می‌توان به‌عنوان یکی از موارد

[illegible]

رقابت خرید محصولات پتروشیمی اولویت‌دار در بورس کالا پس از آسیب مناطق ماهشهر و عسلویه

The diagram illustrates the timeline for the competitive bidding process for petrochemical products in the Kala Bourse. It is divided into three main phases:

- Phase 1 (Farvardin 24, 1405):** Cancellation of all petrochemical transactions.
- Phase 2 (Ardehshahr 9 to 14, 1405):** Competitive bidding for petrochemical products.
- Phase 3 (Ardehshahr 28 to 29, 1405):** Continuation of the competitive bidding process.

درس حمله به ماهشهر و عسلویه برای بازطراحی تاب آوری زنجیره تولید پتروشیمی

شاخص		مقدار/ وضعیت	
ظرفیت تولید ماهشهر		۲۶ تا ۲۵۸ میلیون تن در سال	
ظرفیت تولید عسلویه/ کنگان		۴۶۳ میلیون تن در سال	
مجموع ظرفیت تولید ماهشهر و عسلویه		۷۲.۱ میلیون تن در سال	
سهم از کل صنعت در معرض اختلال		حدود ۷۵ درصد	
توقف یا افت تولید، اختلال در راهاندازی و توقف ایمن، مشکل در تأمین خوراک بین‌مجموعه، افزایش ریسک کمبود عرضه در بازار داخلی و وابستگی به واردات			
یوتیلیتی	منطقه	برقی (مگاوات)	بخار (تن بر ساعت)
فجر انرژی خلیج فارس	ماهشهر	۱۴۹۵	۱۷۸۸
مبین انرژی خلیج فارس	عسلویه	۹۸۶	۳۲۱۵
دماوند انرژی عسلویه	عسلویه	۶۴۸	۷۸۰

اختلال در تأمین خوراک و گلوگاه‌های بالادستی صنعت

بعد دوم مسئله، تأمین پایدار خوراک است. به دلیل سیب‌الایشتگاه‌ها، گازی عسویه، تأمین گاز، زمان و معیانات گازی با اختلال مواجهه شده‌است. در میان زنجیره‌های متناثر از این اختلال، نقش میعانات گازی به عنوان یک عامل تشدیدکننده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که کاهش حدود ۲۰ هزار بشکه در روز از تولید آن، زنجیره اورتوماتیکی و طیف گسترده‌ای از محصولات را، به نوبه خود، به نشت فشار خراب می‌دهد. در این میان، مجتمع نوری و بوعلی سبانه عنوان گلگاه‌های اصلی مصرف و تبدیل میعانات گازی و حلقه اتصال میان پالادست پایین دست بیش از ۲۰ مجتمع تروشیمی عمل می‌کنند. لذا هرگونه اختلال در این دوقطبه، به سرعت در کل شبکه انتشار یافته و تولید محصولات کلیدی نظیر بنزن، بوتادین و تی‌بی‌سی آن نیز می‌مانند استایرن، پلی‌اتیلن، PVC، PET، PVA (با اختلال مواجه می‌سازد. این ویژگی زنجیرهای پرموج، می‌شود که اثرات اختلال، ماهیتی دومینویی و چندپایه پیدا کند. جریان خوراک میعانات گازی در صنعت تروشیمی با محوریت تروشیمی‌های نوری و بوعلی در نمودار زیر نشان داده شده‌است؛ بنابراین، آسیب هم‌زمان به زیرساخت‌های بوتیلویی و شبکه تأمین خوراک می‌شود. سه اداه فنی مسئله از سطح چند مجتمع آسیب‌رسان در فراورقه و بخش عمده‌ای از ظرفیت صنعت تروشیمی کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، نحوه سرعت‌آزایی زیرساخت‌ها، تعیین‌کننده ابعاد واقعی بحران در ماه‌ها و سال‌ها خواهد بود.

سناریوهای بازسازی صنعت پتروشیمی

باتوجه به آسیب‌های وارد شده و نقش گلوگاه‌های یوتیلیتی و خوراک در عملکرد صنعت، بازگشت ظرفیت‌های تولیدی به مدار نیازمندیک

تولید و عملیات مجتمع‌های پتروشیمی از این می‌برد. به گونه‌ای که بدون سروس‌های جانبی ادامه تولید و حتی توقف آن واحدها نیز با مشکل مواجه می‌شود. با توجه به اینکه مجتمع‌های فخر ۱، ۲، دماوند و مبین به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی یوتیلیتی در مناطق ماهشهر و عسلویه تأسیب دیده‌اند، آثار کاهش کیفیت محصول به مجتمع‌های که تحت تأثیر آسیب مستقیم قرار گرفته‌اند نسبت به تأمین می‌تواند موجب توقف تولید در تمامی پتروشیمی‌های منطقه، فارغ از میزان آسیب فیزیکی وارد شده به آن‌ها شود. اهمیت این مسئله از آن جهت است که ماهشهر و عسلویه دو خوشه اصلی صنعت پتروشیمی کشور هستند و هرگونه اختلال در عملکرد آن‌ها، حدود ۷۵ درصد ظرفیت کشور هستند. صنعت پتروشیمی ایران را در معرض توقف یا کاهش تولید قرار می‌دهد. ابعاد این مسئله به صورت خلاصه در جدول زیر نشان داده شده است:

برای فهم عمق مسئله، کافی است به مقیاس ظرفیت یوتیلیتی سه مجتمع فخر، مبین و دماوند توجه شود. به عنوان نمونه، مجتمع فخر ۱ (۱) در منطقه ماهشهر دارای ظرفیت تولید برق بیش از ۱۰۰۰ مگاوات است و به شبکه سراسری نیز متصل است؛ این مجتمع ظرفیت تولید حدود ۱۷۹۰ تن بر ساعت بخار نیز دارد. سایر خدمات مجتمع فخر به همراه ظرفیت دو مجتمع یوتیلیتی دیگر که تأسیب دیده‌اند، در جدول زیر نشان داده شده است:

براین اساس، آسیب به یوتیلیتی‌ها را نمی‌توان فقط به عنوان آسیب به چند واحد خدماتی تلقی کرد، بلکه این واحدها به دلیل نقش محوری خود در تأمین برق، بخار، آب و سایر سرویس‌های حیاتی، به گلوگاه‌های اصلی تداوم تولید در صنعت پتروشیمی تبدیل شده‌اند؛ بنابراین، هرگونه اختلال در عملکرد آن‌ها می‌تواند آثار گسترده‌ای بر کل زنجیره تولید بر جای گذارد.

گزارش

آنندیشکده اقتصاد مقاومتی به تازگی گزارشی تحت عنوان «آزمایشنامه حمله به مناطق پتروشیمی ماهشهر و عسلویه» منتشر کرده و در آن ضمن بررسی ابعاد اثرگذاری این حملات، پیشنهادهایی به منظور بازسازی پتروشیمی از زنجیره تولید محصول پتروشیمی ارائه کرده است. براساس این گزارش حمله به مناطق پتروشیمی ماهشهر و عسلویه نشان دهنده کمربند کربلای ظرفیت تولید وابستگی گسترده مجتمع‌ها به چند مرکز اصلی تأمین پتولیمی، در شرایط جنگ می تواند منبت صرفه قبضاس را به نقطه اسپیدپری ساختارزی تبدیل کند. آسیب به محصولات هیدروکربنی و لیپید و مواد پتت ظاهر تریا خرد خدما تی را بمدار خارج کرد، اما به دلیل اختلال در تأمین برق، بخار آب، هوای ازیز دقیق و خوراک، بخش مهمی از زنجیره تولید پتروشیمی و صنایع پایین سدی را تحت فشار قرار داد. عبور رویداد از این بحران، علاوه بر محصولات هیدروکربنی، توسعه پتتتاتی های غیرمتمرکزتر را به هم پیوسته و کاهش نقاط حساسی در صنعت پتروشیمی را

حمله به منافق پترشیجی، ماهشهر و سلوچیه» منتشر شد. در است. این گزارش در چشمی صنعت پتروشیمی کشور به دست یکی از ارکان این اقتصاد و صادرات ایران، هدف حملات آمریکایی صنایع پتروشیمی قرار گرفت و تأسیسات و زیرساخت‌های آن آسیب دید. این صنعت حدود ۳۰ درصد صادرات غیرنفتی و نزدیک به ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده و تأمین اولیه و اولیه پایدار این صنایع پایین دستی به عملکرد پایدار آن وابسته است. در این گزارش، از خسارات وارد شده به صنعت پتروشیمی و خسارات زیرمجموعه ارزش و صنایع وابسته بررسی شده است. همچنین اوضاع و احوال اقتصادی و تولیدی ناشی از آن و آثار اقتصادی و صنعتی این اوضاع و احوال بر صنایع وابسته و تولیدی و الزامات افزایش تأثیرات آژوری و کاهش آسیب‌پذیری ساختار صنعت پتروشیمی مورد تحلیل قرار گرفته است.

آسیب به زیرساخت های یوتیلیتی

مجموعه تأمین پوتیلیتی، زیرساخت اصلی بهره‌براری از ظرفیت‌ها در صنعت پتروشیمی به‌شمار می‌رود. تأمین سرویس‌ها و خدمات جانبی نظیر برق، بخار آب، صنعتی، آب بدون املاح، نیتروژن، هوای فاضلاب و غیره، از اقدامات اساسی و بخشی از خدمات مجتمع زیستی و پتروشیمی است. این نظام‌های اصلی در مجتمع‌های استارت‌آپ، کشتی، حمله به مراکز پوتیلیتی در مناطق ماهشهر و عسویه، نیجالتی، قرار از اسب فیزیکی تجهیزات و زیرساخت‌ها به همراه دار و توان بهره‌براری صنعت پتروشیمی کشور و تحت تأثیر قرار می‌دهد. در یک مجتمع پتروشیمی، تولید فقط به‌خوار و تجهیزات اصلی فرآیند وابسته نیست؛ بلکه آنچه امروز بهره‌برداران باید از تجهیزات فراهم می‌کند، شبکه پوتیلیتی است. اختلال در تأمین پوتیلیتی، شرایط خطرناک اصلی

” اخبار



فشار توری بر سفره روستایان شدیدتر از شهرها است

زهرا محمدزاده

آمار منتشر شده از تورم نقطه به نقطه خرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد فشار گرانی بر خانوارهای روستایی شدیدتر از مناطق شهری بوده است. تورم شاخص کل در روستاها به ۸۰٫۱ درصد و تورم خوارکی ها، آشامیدنی ها و دوخت‌ها به ۱۴۳٫۵ درصد رسیده در حالی که ارقام برای مناطق شهری به ترتیب ۲۰٫۵ و ۸۵٫۲ درصد است. تا دوام این روند می‌تواند فشار گرانی خانوارهای روستایی هزینه تولید در روستاها و پایدار از تجربه تأمین غذای روستاها تحت فشار بیشتر قرار دهد. گرانی مواد غذایی همچنان مهترین فشار بر معیشت خانوارهاست. بر اساس این آمار، تورم شاخص کل در کشور به ۸۸٫۹ درصد رسیده، اما تورم خوارکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دوخت‌ها در سطح کشور به ۱۳۲٫۶ درصد ثبت شده است. این شکاف نشان می‌دهد افزایش قیمت مواد غذایی با سرعتی بسیار بالاتر از میانگین قیمت‌ها شده و در فشار آزار و شکنجه خانوارها وارد می‌شود. خانوارهایی که سهم بیشتری از هزینه‌های خود را به خوارک اختصاص می‌دهند،

تورم روستا بالاتر از تورم شهری

نکته مهم‌آمارها، شدت بیشتر تورم در مناطق روستایی است. تورم شاخص کل در مناطق شهری ۸۵.۲ درصد بوده، اما این رقم در مناطق روستایی به ۸۰.۸ درصد رسیده است، به بیان دیگر، هزینه زندگی خانوارهای روستایی با سرعت بیشتری نسبت به خانوارهای شهری افزایش یافته و شاخص رفاهی این شهر روستاییان توجه شده است. این وضعیت از آن جهت اهمیت دارد که روستاها فقط محل سکونت بخشی از جمعیت کشور نیستند، بخش مهمی از تولید و تأمین غذا نیز در همین مناطق شکل می‌گیرد؛ بنابراین افزایش هزینه زندگی و خدمات در روستاها، در صورت تلاطم، می‌تواند به مرعیت خانوارهای روستایی و هم‌بهره‌داران کشاورزی و دامپروری و اثر نگذارد.

خوراکی‌ها؛ نقطه اصلی فشار بر معیشت روستاها

پخش نگران کننده‌تر اما، هار، توروم خوراک در مناطق روستایی است. توروم نقطه به نقطه خوراکی‌ها شامل می‌نی و او دختیان در روستا به ۱۴ درصد رسیده؛ یعنی بالاتر از توروم خوراک در مناطق شهری که ۲ تا ۳۳ درصد ثبت شده است. این سطح از افزایش قیمت می‌تواند مصرف کالاهای غذایی با کیفیت را در خوراکی‌های کم درآمد کاهش دهد و به حذف تدریجی برخی اقلام مغزی از سفره منجر شود. از این رو، توروم خوراک حافظ یک مسئله پیچیده نیست؛ با تأیید تقاضا برای منابع خانوارها و امنیت غذایی انبساط مستقیم می‌باشد.

افزایش هزینه‌های غیرخوراکی در روستاها

فشار تومری در روستاها به مواد غذایی محدود نیست؛ براساس آمارها، تومر ۱۰۰ کالایهای غیرغذایی و خدمات در مناطق روستایی ۸۱٫۲ درصد بوده، در حالی که در مناطق شهری ۶۲٫۱ درصد ثبت شده است. این اختلاف نشان می‌دهد که هزینه‌های حمل‌ونقل، انرژی، خدمات و سایر نیازهای روستاییان روزمره نیز در روستاها شدت بیشتری افزایش یافته است.

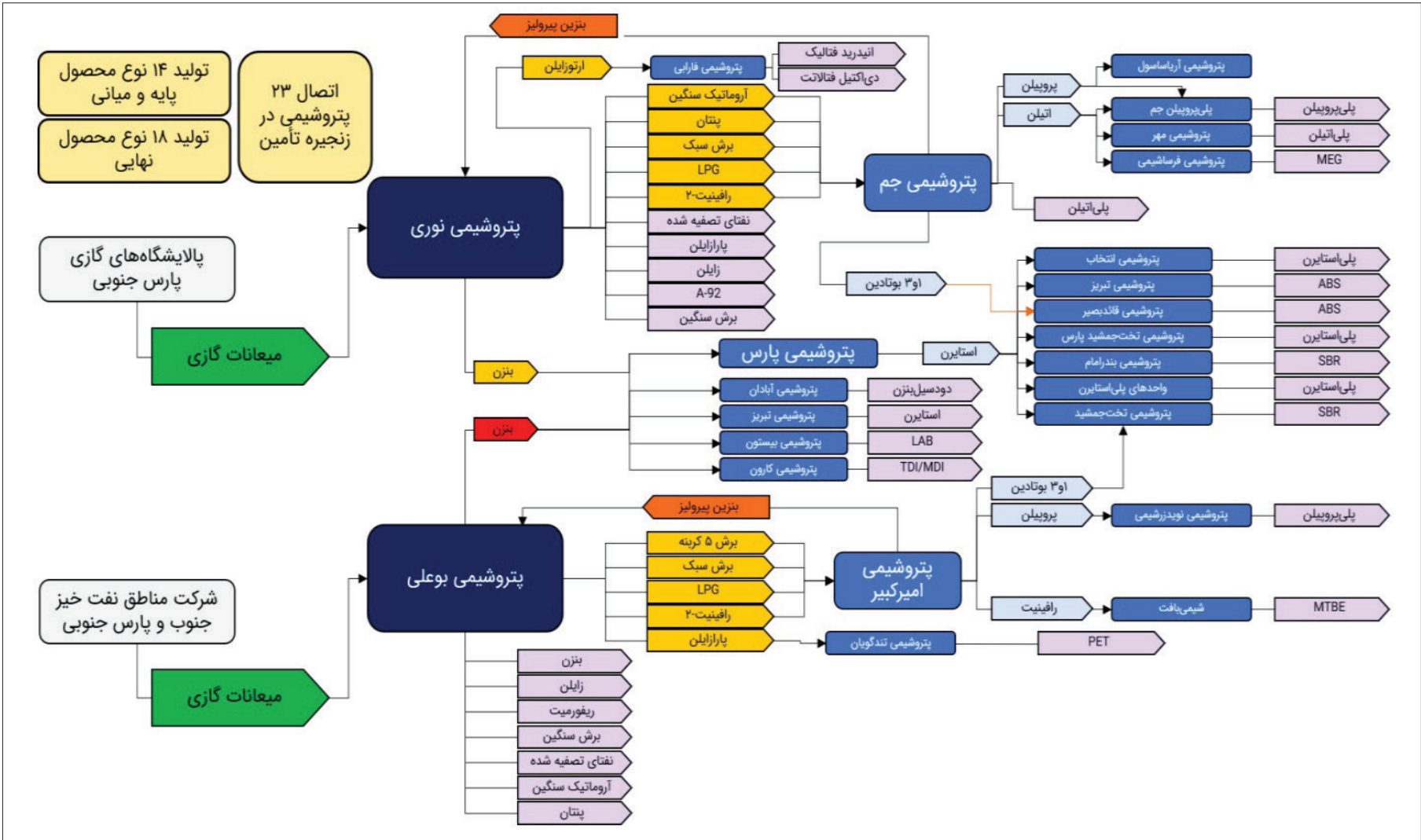
نیاز گاهشی در روستاها، افزایش هزینه‌های غیرغذایی، توان خانوار روستایی برای تأمین غذای کافی را تهدید می‌کند. در چنین شرایطی، فشار همزمان خانوارهای غیرغذایی و ضروری دیگری می‌شود. در منطق محلی، فشار روستاییان روستایی است.

ضرورت حمایت از معیشت و تولید روستایی

در برابر چنین وضعیتی، سیاست حمایتی نباید فقط به پرداخت یارانه نقدی در مقطع فعلی قیمت محدود شود. گذشت هزینه تولید و زنجیره درروستا، تأمین به موقع نهادهای کشاورزی و دامی، مدیریت هزینه حمل و نقل، پشتیبانی از تولیدکنندگان خرودقت در صورت خرابی هوا، خرید دامی به قیمت همزمان با دام شود. تورم بالای خرما، خرما در روستاها از گندم و همدار می‌باشد این امر باعث افزایش گران، در ادامه باید گندم، فشار بر سرفروش خرماهای روستایی می‌تواند به افزایش هزینه تولید غذا و کاهش پایداری زنجیره تأمین منجر شود. به همین ترتیب، وضعیت نایزادمنه سیاستی است که به مصرف کنندگان در دام تولید و فروش دهد و هم تولیدکننده روستایی را در خرما تولید کند.

بن بست تأمین مالی زیرساخت برق حاصل انکار نقش دولت در سرمایه گذاری

علیرضا سیدی مدیر گروه آینده نگاری و سیاست پژوهی پژوهشگاه نیرو، ضمن تأکید بر اینکه بحران امروز صنعت برق ریشه در انباشت عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاری و نبود الگوی پایدار تأمین مالی دارد، افزود: تجربه اقتصادهای در حال توسعه نشان می‌دهد گسترش زیرساخت‌ها به‌عنوان مسیر منابع زمین، استعاره‌ای خارج از بافتنار اولی‌ای بلندمدت انجام‌دهنده است. مسیری که در ایران با به‌محدودیت جدی بودجه روبرو شده یا جایگزین روشی برای آن تعریف نشده است، انباشت عقب‌ماندگی، هزینه‌ها را به‌صورت تصاعدی افزایش داده است و حل تازاری برق بدون اولویت دادن حاکمیت به سرمایه‌گذاری زیرساختی ممکن نیست. علیرضا سیدی مدیر گروه آینده‌نگاری و سیاست پژوهی پژوهشگاه نیرو، با اشاره به انباشت عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاری در صنعت برق گفت: بحران فعلی این به‌عنوان نتیجه‌ای از هرچیز ناشی از نرسد به تأمین مالی توسعه زیرساخت‌هاست، این نیست پیشت مستقیم گرفتار رفتن حاکمیت از مسئولیت سرمایه‌گذاری و انگاری آن به سازوکارهایی است که در عمل توان حل مسئله ندارند. تجربه جهانی نشان می‌دهد توسعه زیرساخت‌های برق در اقتصادهای در حال توسعه تنها از مسیرهای مشخص و محدود امکان پذیر است. سیدی با تشریح تجربه کشورها در توسعه زیرساخت‌ها، در مدتی توسعه صنعت برق و اقتصادهای در حال توسعه فقط از سه مسیر انجام شده است: نخست، اتکاب به منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز، دوم، استقرار خارجی و استفاده از وام‌های بلندمدت برای توسعه زیرساخت‌ها و سوم، استقرار از آینده اقتصاد از طریق انتشار اوراق بلندمدت در اقتصادهای پایدار است. هیچ کشور در حال توسعه‌ای خارج از این سه مسیر توانسته به‌محدودیت برای خود گذشتن دهد. در شرایط کنونی ایران، هر مسیری با به‌محدودیت جدی مواجه شده به‌علاوه از دستور کار خارج شدن از آن، هر سال اخیر، هزینه جبران عقب‌ماندگی را است. آقای سیدی با اشاره به مفهوم «کسری نوع سوم» بیان داشت: در کشورهایی مانند ایران، عدم سرمایه‌گذاری به‌موقع در زیرساخت‌ها موجب شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب شده که در آن، هر سال اخیر، هزینه جبران عقب‌ماندگی را به‌صورت تصاعدی افزایش می‌دهد. اگر در مقطعی به‌جند میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حال توسعه تعادل صنعت برق حفظ کرد، امروز برای جبران عقب‌افتادگی گذشته، نیاز به چندین برابر آن منابع وجود دارد.





تأمین مالی سرمایه؛ مسیر مشارکت بانک در توسعه کشور

امیرحسین محبی کیا

تأمین مالی سرمایه یکی از ابزارهای مهم بانک‌های توسعه‌ای برای حمایت از بنگاه‌ها و پروژه‌هایی است که با بودجه معمول قابل پشتیبانی نیستند. برخی بنگاه‌ها، به‌ویژه در مراحل اولیه رشد، نوآوری یا توسعه ظرفیت، جریان درآمدی پایدار برای بازپرداخت اقساط ندارند. در برخی موارد ممکن است بالا رفتن نسبت اهرمی، احتمال شکست طرح یا بنگاه را افزایش دهد. در چنین مواردی، بانک توسعه‌ای می‌تواند به‌جای وام‌دهنده، در نقش سرمایه‌گذار موقت ظاهر شود و از ابزارهایی مانند سرمایه‌گذاری خطرپذیر، سرمایه‌گذاری خصوصی و خرید سهام استفاده کند. تجربه جهانی نیز نشان می‌دهد بانک‌های توسعه‌ای نسبت به بانک‌های تجاری تمایل بیشتری به استفاده از این ابزار دارند؛ زیرا مأموریت آن‌ها تنها کسب سود کوتاه‌مدت نیست، بلکه حمایت از رشد بنگاه‌های راهبردی و توسعه‌ای است.

در اکثر بانک‌های توسعه‌ای، تأمین مالی بدهی با همان اعطای تسهیلات، همانند عمده بانک‌های تجاری، ابزار اصلی تأمین مالی توسعه است؛ اما تجربه بانک‌های توسعه در جهان نشان می‌دهد که این بانک‌ها معمولاً به‌وام بدهی محدود نمی‌مانند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای مکمل در این زمینه، تأمین مالی سرمایه است. بررسی تجارب بانک‌های توسعه‌ای موفق در جهان حاکی از آن است که استفاده از ابزارهای تأمین مالی سرمایه، ظرفیت اثرگذاری این بانک‌ها را در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. تفاوت این ابزار با وام آن است که بانک توسعه‌ای به‌جای دریافت اقساط ثابت، در مالکیت و منافع بنگاه شریک می‌شود و بازده خود را از رشد و موفقیت آن دریافت می‌کند.

چرا تأمین مالی سرمایه برای بانک توسعه‌اهمیت دارد؟

بسیاری از پروژه‌ها و بنگاه‌هایی که در دایره مأموریت بانک‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرند، در مراحل اولیه رشد، توسعه فناوری، ورود به بازار جدید یا اجرای طرح‌های بلندمدت فعالیت می‌کنند. این بنگاه‌ها ممکن است چشم‌انداز رشد بالایی داشته باشند، اما در سال‌های ابتدایی جریان درآمدی ثابتانی نداشته باشند. اگر چنین بنگاه‌هایی صرفاً از طریق وام تأمین مالی شوند، بخش مهمی از منابع آن‌ها باید صرف بازپرداخت اقساط شود و همین مسئله می‌تواند روند رشد و بقای آن‌ها را با مشکل مواجه کند. در واقع پرهیز از ریسک اهرمی بالا می‌تواند رشد آنها را بکند یا مواجه کند.

در این شرایط، تأمین مالی سرمایه می‌تواند گزینه مناسب‌تری باشد. بانک توسعه‌ای با ورود به ساختار سرمایه بنگاه، ریسک پروژه‌ها را با بنگاه شریک می‌شود و بازده خود را به موفقیت آن گره می‌زند. این الگوی برای بانک تجاری چندان جذاب نیست؛ زیرا بانک تجاری معمولاً به دنبال بازگشت سریع‌تر و ریسک کمتر است؛ اما برای بانک توسعه‌ای که مأموریت آن حمایت از پروژه‌ها و بنگاه‌های دارای اثر توسعه‌ای است، استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم می‌تواند ابزار کارآمدتری نسبت به وام بدهی صرف باشد.

ابزارهای مختلف در تأمین مالی سرمایه

بانک‌های توسعه‌ای برای تأمین مالی سرمایه از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. نخستین ابزار، سرمایه‌گذاری خطرپذیر است که بیشتر برای استارت‌آپ‌ها، بنگاه‌های نوآور و شرکت‌های در مراحل اولیه رشد به کار می‌رود. این بنگاه‌ها ریسک بالایی دارند، اما در صورت موفقیت می‌توانند ارزش افزوده قابل توجهی ایجاد کنند. ابزار دوم، سرمایه‌گذاری خصوصی است که معمولاً بنگاه‌های در حال رشد استفاده می‌شود. این بنگاه‌ها از مرحله اولیه عبور کرده‌اند، اما برای توسعه ظرفیت تولید، ورود به بازارهای جدید، اصلاح ساختار مالی یا بهبود بهره‌وری به سرمایه جدید نیاز دارند. از تفاوت‌های مهم این ابزار با سرمایه خطرپذیر این است که در سرمایه‌گذاری خصوصی معمولاً بانک طلب درصد بالاتری از سهام بنگاه می‌شود تا از اعمال کنترل لازم بر بنگاه اطمینان حاصل کند. ابزار دیگر نیز سرمایه‌گذاری در سهام می‌باشد. معمولاً این ابزار برای شرکت‌های بالغی به کار برده می‌شود که دارای اهمیت راهبردی برای بانک هستند. در این حالت، بانک توسعه‌ای می‌تواند با خرید بخشی از سهام، به تقویت ساختار سرمایه شرکت و پیشبرد پروژه‌های مهم ملی یا منطقه‌ای کمک کند.

بانک توسعه‌سهمدار موقت است نه بنگاه دائمی

نکته مهم در تأمین مالی سرمایه آن است که بانک توسعه‌ای معمولاً با هدف مالکیت دائمی وارد بنگاه نمی‌شود. نقش این بانک بیشتر نقش سهمدار موقت است؛ یعنی در مرحله‌ای که بنگاه به سرمایه، اعتبار و پشتیبانی مدیریتی نیاز دارد به‌صورت مستقیم یا از طریق شرکت‌های وابسته وارد می‌شود و پس از رسیدن بنگاه به سطحی قابل قبول از ثبات و توانمندی، سهام خود را واگذار می‌کند. به این ترتیب، منابع بانک دوباره آزاد شده و می‌تواند در پروژه‌ها و بنگاه‌های جدید به کار گرفته شود. تجربه بانک توسعه اقتصادی و اجتماعی برزیل در این زمینه قابل توجه است. این بانک از طریق بازاری سرمایه‌گذاری خود، یعنی BNDESPAR، تلاش کرده است بنگاه‌ها را در مراحل مختلف چرخه عمرشان پشتیبانی کند. در مراحل اولیه، حمایت از طریق سرمایه‌گذاری خطرپذیر انجام می‌شود. هنگام قرار گرفتن بنگاه در مرحله رشد، ابزار سرمایه‌گذاری خصوصی می‌تواند به توسعه ظرفیت تولید و تقویت ساختار مالی بنگاه کمک کند. در مراحل بعدی نیز حمایت از ورود شرکت‌ها به بازار سرمایه و عرضه عمومی سهام، مسیر خروج بانک توسعه از بنگاه ورود سرمایه‌گذاران جدید را فراهم می‌سازد. این رویکرد با بنگاه‌داری دائمی تفاوت اساسی دارد. در بنگاه‌داری، نهاد مالک معمولاً به دنبال حفظ کنترل و مدیریت بلندمدت شرکت است، اما بانک توسعه‌ای با هدف رفع شکست بازار و تأمین مالی فعالیت‌هایی وارد می‌شود که بخش خصوصی به دلیل ریسک بالا یا نبود اطمینان کافی حاضر به سرمایه‌گذاری در آن‌ها نیست. سرمایه‌گذاری مستقیم بانک در بنگاه علاوه بر تأمین مالی آن می‌تواند اثراتی در حاکمیت شرکتی آن هم داشته باشد. هنگامی که بانک توسعه‌ای در ترکیب سهام‌داران شرکت نقش آفرینی می‌گیرد، می‌تواند ارتباط نزدیک‌تری با آن برقرار کند و در بهبود تصمیم‌های مالی، اصلاح ساختار سرمایه و تقویت حاکمیت شرکتی نقش داشته باشد. همچنین حضور بانک در هیأت مدیره یا نهادهای نظارتی بنگاه می‌تواند امکان ارائه مشاوره مالی، مدیریتی و فنی را افزایش دهد. این سطح از ارتباط، به بانک توسعه‌ای شناخت دقیق‌تری از وضعیت بنگاه، ظرفیت‌های رشد، ریسک‌ها و نیازهای مالی آن می‌دهد. در نتیجه، اگر بانک در مراحل بعدی بخواهد از ابزارهای دیگری مانند وام، ضمانت‌نامه یا تأمین مالی زنجیره‌ای استفاده کند، تصمیم‌های دقیق‌تری خواهد گرفت. به بیان دیگر، تأمین مالی سرمایه می‌تواند کیفیت سایر ابزارهای حمایتی بانک توسعه‌ای را نیز افزایش دهد؛ زیرا رابطه بانک و بنگاه را از یک رابطه صرفاً وام‌دهنده‌وام‌گیرنده فراتر می‌برد. این موضوع در ادبیات تأمین مالی ذیل عنوان وام‌دهی ارتباطی در مقابل وام‌دهی معاملاتی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

■ دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵ ■ ۲۸ محرم ۱۴۴۸ ■ ۱۳ July ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۰۴ ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۹۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور



ثروت نهفته در باطله‌ها؛

بازچرخانی آب، کلید طلایی پایداری در صنایع معدنی

گزارش

بازچرخانی آب در معادن با فناوری‌های نو، هزینه تأمین آب را کم می‌کند و مسیر تولید پایدار را هموار می‌سازد.

در شرایطی که بحران کم‌آبی به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های توسعه صنعتی در ایران تبدیل شده، وضعیت مصرف و بازیابی آب در معادن بزرگ کشور بار دیگر زیر ذره‌بین قرار گرفته است. گزارش «راهکارهای مدیریت باطله‌های معدنی؛ بررسی وضعیت بازیابی آب باطله کارخانه‌های فراوری مواد معدنی» که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده، نشان می‌دهد اگرچه قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، صنایع آب‌بر را به استفاده از منابع نامتعارف مانند پساب و آب دریا مکلف کرده، اما در عمل هنوز بخشی از واحدهای معدنی کشور با ضعف جدی در بازچرخانی آب، نبود داده‌های دقیق و فقدان متولی مشخص برای پایش بهره‌وری آب روبه‌رو هستند. اهمیت این موضوع زمانی بیش‌تر می‌شود که بدانیم بخش قابل‌توجهی از کارخانه‌های فراوری مواد معدنی در ایران به‌روش تر فعالیت می‌کنند؛ روشی که در آن آب، نه یک نهاده جانبی، بلکه یکی از اجزای اصلی فرآیند تولید است. در عملیات‌هایی مانند خردایش، فلوئاسیون یا شناورسازی، جدایش مواد معدنی و انتقال باطله، آب نقش کلیدی دارد و هرگونه اختلال در تأمین آن می‌تواند تولید را با مشکل مواجه کند؛ اما همین وابستگی بالا، در کشوری با اقلیم خشک و نیمه‌خشک، صنایع معدنی را به یکی از کانون‌های حساس مدیریت منابع آب تبدیل کرده است. براساس احکام برنامه هفتم، آب مورد نیاز صنایع آب‌بر- به‌جز صنایع غذایی، بهداشتی و آشامیدنی- باید از منابع نامتعارف تأمین شود. در آیین‌نامه اجرایی این حکم نیز صایعی که مصرف سالانه آب آنها بیش از ۳۰۰ هزار مترمکعب است، در زمره صنایع آب‌بر قرار گرفته‌اند؛ تعریفی که بسیاری از معادن و کارخانه‌های فراوری مواد معدنی را شامل می‌شود. با این حال، بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد که الزام قانونی به‌تنهایی برای تغییر رفتار مصرفی در این بخش کافی نبوده و همچنان بخشی از آب مورد نیاز معادن از منابع متعارف تأمین می‌شود.

باطله‌هایی که فقط پسماند نیستند

در کارخانه‌های فراوری مواد معدنی، باطله‌ها معمولاً به‌عنوان مواد کم‌ارزش یا فاقد ارزش اقتصادی شناخته می‌شوند؛ اما از منظر مدیریت آب، همین باطله‌ها حامل حجم قابل‌توجهی از آب مصرف‌شده در فرآیند تولید هستند. اگر این آب از طریق مدارهای آب‌گیری، تبخیرگاه، فیلترهای فشاری یا سایر فناوری‌های بازچرخانی بازیابی نشود، به‌ساده‌ای باطله منتقل می‌شود؛ جایی که بخشی از آن تبخیر می‌شود، بخشی در باطله باقی می‌ماند و بخشی نیز ممکن است با پمپ‌های زیست‌محیطی ایجاد کند.

به همین دلیل، بازیابی آب از باطله کارخانه‌های فراوری فقط یک اقدام زیست‌محیطی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت تأمین آب، کاهش هزینه‌های تولید، پایداری فعالیت معدنی و حتی کاهش تعارضات اجتماعی در سرمنابع آب ارتباط دارد. در مناطقی مانند کرمان، یزد،

ایران در نقطه تقاطع هارتلند و ریملند؛

هرمز، حلقه نظم جهانی یا کلید طلایی قدرت

ادامه از صفحه اول

عصبانیت اخیر ترامپ را نیز باید در همین چارچوب دید. خشم او فقط واکنشی شخصی به شعارهای مراسم تشییع یا تهدیدهای لفظی نبود. ترامپ با صحنه‌ای روبه‌رو شد که روایت مطلوب آمریکا را مخدوش می‌کرد. آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواستند نشان دهند که ایران پس از جنگ، ترور، فشار اقتصادی و تهدید نظامی، در وضعیت ضعف، انفعال و امتیازدهی قرار گرفته است. اما تشییع گسترده رهبر شهید در ایران و عراق، همراه با استمرار نقش آفرینی ایران در هرمز، پیام دیگری داد. ایران توان بالایی پیدا کرده است. قدرت نامدین، عمق منطقه‌ای و اهرم ژئوپلیتیکی دارد. این همان چیزی است که برای ترامپ ناخوشایند است. او می‌خواهد ایران را در جایگاه کشوری بنشاند که باید میان تسلیم یا فشار بیش‌تر یکی را انتخاب کند. اما ایران با تشییع ملیپوین، با پیوند اجتماعی در ایران و عراق، و با تأکید بر نقش خود در هرمز، نشان داد که مسئله ایران فقط یک پرونده هسته‌ای یا یک نزاع دو جانبه به آمریکا نیست. ایران بخشی از موازنه بزرگ‌تری است

آذربایجان شرقی و سایر پهنه‌های معدنی کشور که هم‌زمان با کمبود آب و فعالیت گسترده صنایع معدنی روبه‌رو هستند، هر درصد افزایش در نرخ بازچرخانی آب می‌تواند اثر ملموسی بر کاهش برداشت از منابع آب تازه داشته باشد. یافته‌های گزارش نشان می‌دهد دامنه بازیابی آب در صنایع معدنی ایران بسیار متفاوت است. در صنعت مس، میزان بازیابی آب از باطله‌ها در برخی واحدها بین ۴۵ تا ۶۷ درصد گزارش شده است. در سنگ آهن این نرخ از صفر تا ۸۵ درصد و در طلا از صفر تا حدود ۷۵ درصد متغیر است. این اختلاف گسترده نشان می‌دهد که عملکرد شرکت‌ها بیش از آنکه تابع یک استاندارد ملی الزام‌آور باشد، به طراحی مدار فراوری، تجهیزات مورد استفاده، سیاست مدیریتی هرواحد و میزان توجه بهره‌بردار به موضوع آب بستگی دارد.

اختلاف معنادر میان معادن؛ از بازیابی ۷۵ درصدی تا نرخ صفر

در بخش طلا، مقایسه دو نمونه داخلی نشان دهنده شکاف جدی در وضعیت بازچرخانی آب است. معدن زرشوران با استفاده از فیلترهای فشاری توانسته حدود ۷۵ درصد آب موجود در باطله را بازیابی کند. این عدد نشان می‌دهد در صورت بهره‌گیری از فناوری مناسب طراحی درست مدار آب‌گیری، امکان کاهش چشمگیر مصرف آب تازه وجود دارد. در مقابل، مجتمع طلای موته در داده‌های بررسی شده بازخ صرف درصد بازیابی آب از باطله معرفی شده است؛ موضوعی که به معنای خروج کامل آب همراه با باطله از چرخه اصلی تولید است. در بخش مس نیز تصویر یکدستی وجود ندارد. مجتمع مس سرچشمه با نرخ بازیابی حدود ۶۷ درصد وضعیت به‌تر نسبت به برخی دیگر از واحدها دارد، اما همین عدد نیز در مقایسه با برخی نمونه‌های جهانی فاصله دارد. در مجتمع سونگون، نرخ بازیابی آب از باطله حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد گزارش شده و در شهر بابک این میزان حدود ۶۳ درصد است. نکته مهم آن است که در برخی موارد بخشی از آب از حوضچه‌ها یا سدهای باطله به مدار بازمی‌گردد، اما این بازگشت لزوماً به معنای استفاده کامل و بهینه از ظرفیت آب‌گیری نیست.

در حوزه سنگ آهن نیز وضعیت از واحدی به واحد دیگر تفاوت زیادی دارد. برخی مجموعه‌ها توانسته‌اند نرخ‌های بالای بازیابی، حتی نزدیک به ۸۵ درصد، ثبت کنند؛ اما در مقابل، برخی واحدهای بزرگ معدنی هنوز فاقد مدار کامل آب‌گیری یا باطله‌اند یا از ظرفیت موجود خود به‌طور کامل استفاده نمی‌کنند. این تفاوت عملکردی، ضرورت تدوین شاخص‌های روشن، الزام‌آور و قابل پایش را بیش از گذشته آشکار می‌کند. مقایسه با نمونه‌های خارجی نیز نشان می‌دهد صرف برخورداری از فناوری مشابه، الزاماً به نتایج مشابه منتهی نمی‌شود. در برخی معادن جهانی، نرخ بازیابی آب در بخش طلا به حدود ۸۴ تا ۸۷ درصد و در بخش مس به حدود ۷۷ درصد می‌رسد. این در حالی است که برخی واحدهای داخلی با وجود استفاده از روش‌های آب‌گیری مشابه، استقلال خود استفاده‌کنند، نه آنکه در رقابت آن‌ها مصرف سباب تصفیه‌شده شهری و صنعتی، تأمین می‌کنند. این مسیر از منظر کاهش فشار بر منابع آب شیرین

انتقال آب دریا؛ راه‌حل مکمل یا جایگزین

پرهزینه؟

در سال‌های اخیر، پروژه‌های انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به فلات مرکزی به‌عنوان یکی از راهکارهای تأمین آب صنایع معدنی مطرح شده‌اند. برخی شرکت‌های بزرگ نیز بخشی از نیاز آبی خود را با منابع نامتعارف، از جمله آب دریا یا پساب تصفیه‌شده شهری و صنعتی، تأمین می‌کنند. این مسیر از منظر کاهش فشار بر منابع آب شیرین چین و روسیه روابط راهبردی و اقتصادی عمیق داشته باشد، هم با همسایگان خلیج فارس ترتیبات امنیتی و اقتصادی قابل دوام بسازد، و هم هزینه بی‌اعتنایی آمریکا به نقش ایران را بالا ببرد. هنر سیاست خارجی ایران باید این باشد که از رقابت قدرت‌ها برای افزایش استقلال خود استفاده کند، نه آنکه در رقابت آن‌ها مصرف اجتماعی فعال دوام نمی‌آورد. آمریکا دقیقاً می‌کوشد ایران را در وضعیتی نگذارد که نه جنگ کامل باشد و نه صلح کامل؛ وضعیتی که اقتصاد را در بالکنلفی فرسوده کند و بازارناتی اجتماعی تولید کند. پاسخ ایران فقط در میدان خارجی نیست؛ در اصلاح حکمرانی اقتصادی، مهار تنازهای‌ها، حمایت از تولید، تأمین معیشت مردم و بازسازی اعتماد عمومی نیز هست.

توصیه پنجم، بازآرندگی سنجیده و دیپلماسی از موضع قدرت است. ایران باید نشان دهد که حذف یا تضعیف نقش آن در هرمز، خلیج فارس و نظم منطقه‌ای، هزینه زیادی دارد. اما این هزینه‌سازی باید سنجیده، قابل توضیح و در چارچوب دفاع از حقوق ملی باشد تا به اجماع‌سازی علیه ایران منتهی نشود. قدرت واقعی آن است که هم طرف مقابل را از تجاوز بازدارد و هم

قابل توجه است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ کامل بحران باشد. انتقال آب از دریا با هزینه سرمایه‌گذاری بالا، مصرف انرژی قابل توجه، نیاز به زیرساخت‌های گسترده، مسائل زیست‌محیطی مرتبط با شیرین‌سازی و دفع شوره‌ها و همچنین چالش‌های فنی و بهره‌برداری همراه است؛ بنابراین اگر واحد معدنی در داخل کارخانه همچنان آب قابل بازیابی را همراه با باطله از دست بدهد، استفاده از آب انتقالی نیز به معنای حل مسئله نخواهد بود؛ بلکه تنها منبع تأمین آب تغییر کرده، به آن‌ه الگوی مصرف اصلاح شده باشد. به همین دلیل، بازیابی آب از باطله باید در کنار استفاده از پساب و آب دریا دیده شود، نه در حاشیه آنها. در واقع، منطقی‌ترین رویکرد برای صنایع معدنی آب‌بر، ترکیبی از سه مسیر است: کاهش مصرف آب تازه، افزایش بازچرخانی داخلی و تأمین کسری آب از منابع نامتعارف. هر ساستی که فقط بر تأمین منابع جدید تمرکز کند و از اصلاح مصرف درون کارخانه غافل بماند، در بلندمدت با هزینه‌های بالاتر و پایداری کمتر مواجه خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در این بررسی، نبود اطلاعات جامع، دقیق و به‌روز از وضعیت مصرف آب در صنایع معدنی کشور است. در بسیاری از واحدها، مشخص نیست چه میزان آب تازه وارد مدار تولید می‌شود، چه بخشی از آن در فرآیندهای مختلف مصرف می‌شود، چه مقدار همراه با باطله از چرخه خارج می‌شود و چه میزان دوباره به مدار بازمی‌گردد. نبود چنین اطلاعاتی باعث می‌شود تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت آب، بیشتر برپایه تخمین، گزارش‌های آپرکننده یا داده‌های ناقص انجام شود.

ابزار اصلی برای رفع این مشکل، تهیه «نمودار تعادل آب» برای هر واحد معدنی است. این نمودار نشان می‌دهد آب از چه منابعی وارد واحد می‌شود، در کدام بخش هاء مصرف می‌شود، چه میزان آب بازیابی می‌شود، به‌مقدار تخمین‌یانشت دارد و چه حجمی از چرخه خارج می‌شود. بدون این نمودار، امکان ارزیابی دقیق عملکرد یک معدن در زمینه بهره‌وری آب وجود ندارد.

اما یافته‌ها نشان می‌دهد برای بسیاری از شرکت‌های معدنی، چنین نموداری یا تهیه نشده یا در دسترس نهادهای تصمیم‌گیر قرار ندارد. این خلأ اطلاعاتی پیامدهای متعددی دارد؛ از دشوار شدن برنامه‌ریزی برای تأمین آب تا ناتوانی در پیش‌بینی ریسک‌های زیست‌محیطی، آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی و مدیریت بحران کم‌آبی.

مشکل دیگر، برآوردگی داده‌ها میان نهادهای مختلف است. اطلاعات مربوط به مصرف، مجوز برداشت، منابع تأمین، میزان بازچرخانی وضعیت زیست‌محیطی ممکن است در وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست، شرکت‌های آب منطقه‌ای و خود شرکت‌های معدنی به‌صورت جداگانه وجود داشته باشد؛ اما نبود سازوکاری شفاف و منظم برای تبادل و یکپارچه‌سازی این داده‌ها، موجب موازی‌کاری، تکرار مطالعات و تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات ناقص می‌شود.

مسئله دیگر، نبود متولی مشخص برای نظارت و برنامه‌ریزی در حوزه بهره‌وری آب در صنایع معدنی است. در وضع موجود، مدیریت صرف و بازیابی آب از باطله‌ها بیشتر به‌عنوان یک ملاحظه محیط‌زیستی دیده می‌شود تا یک الزام راهبردی صنعتی. نتیجه چنین نگاهی آن است که مسئولیت اصلی بهره‌بردار و انگار می‌شود و اگر شرکت معدنی انگیزه، منابع یا فشار نظارتی کافی نداشته باشد، ارتقای مدارهای آب‌گیری در اولویت قرار نمی‌گیرد.

این رویکرد با شرایط امروز کشور سازگار نیست. در دورانی که بسیاری از حوضه‌های آبریز را نشت جدی مواجه‌اند، مدیریت آب در صنایع آب‌بر نمی‌تواند موضوعی اختیاری یا صرفاً وابسته به سیاست داخلی شرکت‌ها باشد. همان‌طور که تولید، ایمنی، آلاینده‌گی و رعایت استانداردهای فنی باید تحت نظارت قرار گیرد، بهره‌وری آب نیز باید به یکی از شاخص‌های رسمی و قابل سنجش عملکرد معادن تبدیل شود.

در این چارچوب، پیشنهاد شده است وزارت صنعت، معدن و تجارت به‌عنوان متولی اصلی نظارت بر ارتقای بهره‌وری و مدیریت آب در صنایع آب‌بر از جمله صنایع معدنی، تعیین شود و با همکاری وزارت نیرو، برپه‌وری آب در صنایع آب‌بر ارتقا یه‌بهروری آب را برای صنایع آب‌بر از جمله صنایع معدنی،

تعیین شود و با همکاری وزارت نیرو، برپه‌وری آب در صنایع آب‌بر ارتقا یه‌بهروری آب را برای صنایع آب‌بر از جمله صنایع معدنی، تعیین شود و با همکاری وزارت نیرو، برپه‌وری آب در صنایع آب‌بر ارتقا یه‌بهروری آب را برای صنایع آب‌بر از جمله صنایع معدنی،

بر اساس احکام برنامه هفتم، آب مورد نیاز صنایع آب‌بر به جز صنایع غذایی، بهداشتی و آشامیدنی ـ باید از منابع نامتعارف تأمین شود. در آیین‌نامه اجرایی این حکم نیز صناعیی که مصرف سالانه آب آنها بیش از ۳۰۰ هزار مترمکعب است، در زمره صنایع آب‌بر قرار گرفته‌اند؛ تعریفی که بسیاری از معادن و کارخانه‌های فراوری مواد معدنی را شامل می‌شود

مسیر مذاکره عادلانه را باز نگذازد. در نهایت، مقاله هارتلند در برابر ریملند برای ایران یک پیام روشن دارد و آن اینکه جهان وارد دوره‌ای شده است که جغرافیا دوباره به سیاست بازگشته است. کشورهایی که موقعیت خود را بفهمند، آن را به قدرت تبدیل می‌کنند؛ و کشورهایی که موقعیت خود را بد مدیریت کنند، به میدان رقابت دیگران تبدیل می‌شوند. ایران در یکی از حساس‌ترین نقاط این نقشه قرار دارد. تنگه هرمز، خلیج فارس، خزر، کریدورهای شمال، جنوب، پیوند با عراق و شام، و اتصال به آسیای مرکزی، همه اجزای یک قدرت بالقوه‌اند. عصبانیت ترامپ نیز دقیقاً از همین جاست. زیرا او با کشوری مواجه است که قرار بود تحت فشار از محاسبات بزرگ حذف شود، اما هنوز در قلب محاسبات هارتلند و ریملند حضور مؤثر دارد. وظیفه ایران این است که این حضور را از یک واقعیت جغرافیایی به یک راهبرد ملی تبدیل کند. راهبردی که هم امنیت را حفظ کند، هم اقتصاد را راجات دهد، هم همسایگان را از پیوستن به ائتلاف ضد ایرانی بازدارد و هم آمریکا را وادار کند که ترک مخاصمه و پذیرش نقش ایران را کم‌هزینه‌تر از ادامه فشار بداند.